

## حق آموزش زن در اندیشه آیت الله محسنی (ره)

محمد رضا معرفت \*

### چکیده

آموزش و تحصیل از مهم‌ترین مقوله‌هایی است که هم از دید حقوق معاصر و هم از منظر شریعت اسلامی، از مصادیق حقوق بشر شناخته شده است. حق آموزش زن در اندیشه اندیشمندان اسلامی نه تنها یک امتیاز، بلکه یک واجب و تکلیف شرعی است. نگاه فقهی حضرت آیت الله العظمی محسنی (ره) درباره حق تحصیل زنان از منابع و آثار علمی و فقهی ایشان قابل استنباط است. وی در کتب و بیانات متعدد خود، زن و مرد را از حق تحصیل یکسان برخوردار دانسته و حتی در مواردی آموزشی برخی از علوم عصری و تجربی (از جمله طب) را برای زنان واجب کفایی دانسته است. از منظر فقهی نامبرده حکم اولیه برای برخورداری زنان از حق تحصیل در شریعت اسلامی انکارناپذیر بوده و دلیل آن نیز ضرورت‌های فرهنگی، اداری، تربیتی و خدماتی موجود در آموزش آنان است که شریعت نیز به حکم مصلحت، آن را برای زن و مرد نه تنها به عنوان حق که به عنوان تکلیف در نظر گرفته است؛ اما به باور ایشان، آسیب‌پذیری زنان که ریشه در طبیعت آنان دارد، برخی از محدودیت‌ها را نیز برای استفاده از این حق به دنبال می‌آورد که می‌توان از نبود خطر و تهدید به دیانت، تقوا، عفت، شخصیت و نجابت زنان در محیط و روند تحصیل نام برد.

واژگان کلیدی: آموزش، حق تحصیل زن، ضرورت، محدودیت‌ها و شرایط.

### مقدمه

حق آموختن، امتیازی است که کل انسان‌ها برای رشد فردی و توسعه اجتماعی، نه تنها از آن برخوردار که بدان نیازمند هستند. حقوق بشر مدرن و معاصر که زاده مدرنیته است، به برخورداری بشر از مجموعه‌ای از حق‌ها تأکید نموده که هر فرد به جهت انسان بودن، از آن برخوردار است و حق آموزش، یکی از مصادیق آن خواند می‌شود. این مقوله در نظریه اندیشمندان اسلامی با وجود تأکید فراوان به فراگیری علم، در مورد حق آموزش زن، همواره اما و اگرهایی داشته که نیازمند بررسی دقیق و فهم عمیق مستندات آن در متون دینی و آثار اندیشمندان بنام اسلامی است.

در این نوشتار، با توجه به اهمیت بحث، هم از بعد نظری و هم از بعد عملی برای جامعه و امت اسلامی، حق آموزش زنان در پرتو تحقیقات فقهی آکادمیسین فقید افغانستان، حضرت آیت‌الله العظمی محسنی<sup>(ره)</sup> بررسی و مطالعه می‌گردد. نویسنده بر آن است که با بررسی دیدگاه‌های فقهی فقیه نامبرده، برای مسئله اصلی این تحقیق پاسخ دقیق در یابد. مسئله اصلی در این تحقیق، چستی حکم تحصیل زنان، در فقه اسلامی و اندیشه فقهی حضرت آیت‌الله العظمی محسنی<sup>(ره)</sup> است.

### الف: مفهوم حق آموزش

حق آموزش که در برخی منابع، از آن به عبارت آزادی آموزش نیز نام برده شده، به طور خلاصه به معنای برخورداری از امتیاز تعلیم و تعلم است. به عبارت دیگر، مراد از حق آموزش، آن است که هر انسان از صلاحیت و توانایی «آموزش دیدن» و «آموزش دادن» برخوردار باشد و هیچ‌گونه مانعی در این زمینه بر سر راهش نباشد (عباسی، ۱۳۹۰ ش: ص ۱۶۹).

مسلم است که بحث از حق آموزش به طور کلی، و حق آموزش زن به طور خاص در چهارچوب مباحث حقوق بشر می‌تواند طرح و تبیین شود. بدین لحاظ، با مطالعه منابع حقوق بشر، حق بر آموزش را همه حقوق‌دانان، مصداقی از حقوق بشر شناخته‌اند و از این جهت، میان انسان‌ها از حیث جنسیت، زبان، نژاد، قومیت، ولادت، تابعیت، مذهب و غیره هیچ‌گونه تفاوتی در برخورداری از آن وجود ندارد. بر این اساس، انسان‌ها به خاطر انسان بودن، از حق «آموزش دیدن» و «آموزش دادن» برخوردارند.

اسناد حقوق بین‌الملل معاصر نیز با همین رویکرد، حق آموزش را از مصادیق حقوق بشر خوانده و سازوکارهای جدی را برای حمایت و ترویج آن در نظر گرفته است. (ماده ۲۶ اعلامیه

جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ م و ماده ۱۳ کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ م) با مطالعه اسناد حقوقی معاصر در مورد مقوله حق آموزش، درمی‌یابیم که این مسئله از دید فقهای اسلامی نیز به دور نمانده و چه بسا نویسندگان حقوق اسلامی (فقها) نسبت به این موضوع، مباحث عمیق‌تر و دقیق‌تری را مطرح کرده‌اند.

نکته مورد اتفاق همه فقهای اسلامی نیز این است که حق آموزش، همچون حق انسانی برای تمام انسان‌ها مسجّل و تثبیت گردیده و در اصل برخوردار از این حق، هیچ‌گونه تفاوتی میان انسان‌ها از حیث جنسیت، ولادت، نژاد، مذهب، قومیت، تابعیت و... وجود ندارد. نویسندگان مسلمان نیز با استناد به متون دینی و شرعی، تعلیم و تعلم را همانند تربیت و تزکیه، از مهم‌ترین اهداف بعثت پیامبران الهی خوانده و آن را در جهت تعالی و تکامل انسان لازم دانسته‌اند (الیاسی، ۱۳۹۴ ش: ص ۳۵۲).

به باور اندیشمندان مسلمان، تعلیم و تعلم نه تنها حق، بلکه وظیفه و تکلیف مسلمانان، شناخته شده است. برای اثبات این سخن، به حدیث مبارک رسول الله (ص) می‌توان استناد کرد که فرمود: «طلب العلم فریضة علی کل مسلم» (کلینی، ۱۳۸۵ ش، ج ۱: ص ۳۰؛ مجلسی، ۱۳۸۵ ش، ج ۱: ص ۱۷۱).

هرچند برخی از فقیهان، سند حدیث این را قوی نمی‌دانند، آیت‌الله محسنی (ره) در کتاب معجم الاحادیث المعتمره به دلیل تواتر حدیث ذکر شده، آن را صحیح و دارای اعتبار دانسته است. به باور وی، مراد از کلمه «مسلم» در این حدیث، اعم از زن و مرد است، چنان‌که در بسیاری از آیات قرآن مجید نیز این‌گونه لحاظ گردیده است (محسنی، ۱۳۹۲ ش، ج ۱: ص ۵۱).

در مورد نگاه اسلام به حق آموزش به‌طور عام، و حق آموزش زن به‌طور خاص، بیان حدیث ذکر شده کفایت می‌کند و جایی برای هیچ‌گونه تردید باقی نمی‌گذارد.

با این حال، برخی از فقهای اسلامی نیز با استناد به نص صریح آیات قرآن کریم، آموختن علم و دانش را نه تنها ممنوع ندانسته، سفارش اکید کرده‌اند. برای نمونه، آیه شریفه: «وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» (طه، ۱۱۴) که خداوند بشر را به درخواست افزایش علم از پیشگاه ربوبیت خویش دستور داده و فرموده: «و بگو پروردگارا بر دانشم بیفز!»

از سوی دیگر، در نخستین آیات نازل شده بر پیامبر گرامی اسلام، خداوند پیامبر خود را به خواندن دستور می‌دهد و می‌فرماید: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ.» (علق، ۱) به باور مفسران،

خداوند متعال به واسطه این آیه، عقل انسان را از تاریکی جهل و خرافه‌ها به سوی روشنایی علم و معرفت و تربیت دعوت می‌کند (الغامدی، ۱۳۹۴ ش: ص ۱۵۴).

با دقت در این آیات و دیدگاه‌های مفسران جهان اسلام، روشن می‌گردد که تحصیل و آموزش، برای نوع بشر اعم از زن و مرد، نه تنها یک حق، که شاخص برتری وی نسبت به دیگران نیز معرفی می‌شود.

بنابراین، حق آموزش، هم از منظر حقوق بین‌الملل معاصر و هم از نظر حقوق و فقه اسلامی محترم است؛ تنها با این تفاوت که در حقوق بین‌الملل معاصر به عنوان یک امتیاز صرف برای نوع بشر در نظر گرفته شده؛ اما در متون اسلامی ضمن اینکه امتیاز و حق برای دارنده آن است، امتیاز و دلیل برتری یک انسان بر دیگر انسان‌ها از یک سو و تکلیف و فریضه دینی از سوی دیگر خوانده شده است.

مرحوم کلینی در اول اصول کافی به سند صحیح نقل می‌کند: «عالم یتنفع بعلمه خیر من سبعین الف عابد؛ عالمی که از علمش نفع حاصل شود، از هفتاد عابد بهتر است».

بدون شک، آموختن علم، در اندیشه و باور اسلامی اهمیت بالایی دارد که در آیات و احادیث متعدد می‌توان به این نکته دست یافت.

بازتاب منطق قرآنی در مورد آموزش و تحصیل، نه تنها یک امتیاز طبیعی برای بشر، رمز تعالی و کمال بشر نیز دانسته شده، به گونه‌ای که خداوند اهمیت آموختن علم را برابر با ایمان انسان مؤمن می‌داند و می‌فرماید: «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ.» (مجادله، ۱۱) یا اینکه خداوند در جای دیگر قرآن موضوع را جدی‌تر مطرح ساخته و اهمیت علم و جایگاه عالم را در قالب استفهام انکاری تبیین کرده است: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ.» (زمر، ۹).

این آیات به صراحت، اهمیت آموختن علم را برای بشر آشکار می‌سازد که در همه آیات به‌طور مطلق مطرح گردیده است و تنها به طبقه خاص، جنسیت خاص، قومیت و مذهب خاص تعلق ندارد. بنابراین، آموزش در اندیشه اسلامی، هم حق است، هم تکلیف و هم وجه تمایز و برتری انسان‌ها از یکدیگر.

### ب: حق آموزش زنان در نگاه فقهای اسلامی

دانشمندان و متفکران بزرگ مسلمان، همواره بر اهمیت تحصیل علم تأکید کرده و نه تنها تحصیل علم را یک حق، بلکه یک وظیفه دانسته و علم را معیاری برای فضیلت انسان تلقی کرده‌اند.

علامه حسن بن یوسف بن مطهر حلی (ره) حکم اسلام درباره تحصیل علم را دارای چند قسم دانسته است.

از منظر او، آموختن برخی علوم، واجب عینی است که ما آن را علم عقاید می‌نامیم. فراگیری برخی علوم نیز واجب کفایی است، مانند علم اصول فقه، طب، ریاضی. فراگیری برخی علوم هم مستحب است، مثل آموختن هر رشته علمی که به اندازه کافی در آن مورد، متخصص در جامعه وجود دارد. آموختن برخی علوم نیز حرام است، مثل سحر، کهنات و...، که در این احکام، هیچ تفاوتی میان زن و مرد نیست. مردان و زنان هرکدام باید در فراگیری علم مراقب باشند که مرتکب حرام نشوند. (حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۹: صص ۳۶ و ۳۷)

آیت‌الله العظمی فیاض (دام عزه) که یکی از فقهای بنام جهان اسلام است نیز با استناد به این حدیث پیامبرگرامی اسلام که می‌فرماید: «العلم علمان، علم الأبدان و علم الإیمان؛ علم دو نوع است یکی علم دین و دیگر علم بدن» (علم طب)، چنین تبیین کرده که اسلام، علم طب را در ردیف علم دین قرار داده و جامعه‌ای را که از علم طب فاصله داشته باشد، جامعه بیمار، عقب‌مانده و بی‌ارزش می‌داند و در این خصوص نیز هیچ تفاوتی میان زن و مرد نمی‌گذارد.

### ج) حق آموزش زن در اندیشه حضرت آیت‌الله محسنی<sup>(ره)</sup>

برای بررسی دیدگاه آیت‌الله محسنی<sup>(ره)</sup> در مورد حق آموزش زنان، منابع زیادی از ایشان در دسترس قرار دارد که می‌توان کتب، سخنرانی‌ها، جلسه‌های درسی، توضیح‌المسائل شرعی و استفتائات وی را نام برد.

به صورت کلی می‌شود دیدگاه‌های آیت‌الله محسنی<sup>(ره)</sup> در مورد حق آموزش زنان را در چهار مبحث جداگانه بررسی کرد، اما قبل از آن باید یادآور شد که نگاه کلیه فقهای اسلامی با استناد به منابع دسته اول شرعی اسلام درباره حق آموزش زنان، جنبه اثباتی دارد و هیچ مجتهدی در حکم اولی، زنان را از حق آموزش محروم نمی‌داند، بلکه به آن سفارش و تأکید نیز کرده‌اند. با این حال، با توجه به شرایط و احوال خاصی که بیان خواهیم کرد، ممکن است در آن شرایط، زنان از آموزش منع شوند که حتی از نظر شرعی، برخی از آن شرایط، مردان را نیز از تحصیل منع می‌کند. آیت‌الله محسنی<sup>(ره)</sup> نیز حق تحصیل زن مطابق حکم اولی شرعی، نه تنها به عنوان حق و امتیاز، که به عنوان تکلیف و وظیفه شرعی در نظر گرفته است.

در ذیل به ترتیب، چهار مبحث «دیدگاه کلی»، «ضرورت آموزش زنان» و «شرایط و محدودیت‌های آموزش زنان» و «اقدامات عملی معظم‌له در راستای آموزش زنان» را بررسی می‌کنیم.

#### ۱) دیدگاه کلی

دیدگاه کلی آیت‌الله محسنی<sup>(ره)</sup> در مورد حق آموزش زنان را از کتب، آثار علمی و فقهی و سخنان نامبرده به خوبی می‌توان استنباط کرد. وی در موارد متعدد با تأکید بر فراگیری علم، آموزش را تنها راه نجات و رهایی از هر نوع مشکلات و گرفتاری‌های اجتماعی، اخلاقی و روانی می‌داند و می‌گوید هیچ دین و مکتبی به اندازه اسلام روی مسئله آموزش علم توجه و تأکید نکرده است. وی در کتاب روش جدید اخلاق اسلامی چنین می‌نویسد: «نادانی، از بزرگ‌ترین بلاهای انسانیت است.

اکثر بدبختی‌های اخلاقی، روانی و اجتماعی و خصوصی، از نادانی بروز می‌کند. شاید هیچ دینی و قانون و مکتبی به اندازه اسلام به آموختن علم و اهمیت علم و علما سفارش نکرده باشد. بلی مدح علم و علما و نکوهش جهل و نادانی، در حد بی‌ظنری در قرآن و سنت وجود دارد و مسئله آنقدر واضح است که نقل نصوص دینی را تقریباً غیرمفید می‌سازد» (محسنی، ۱۳۶۵ ش: ص ۱۸۲).

وی در ادامه، به ذکر يك روايت بسنده می‌کند که بیانگر ارزش علم و جایگاه عالم است. این روايت را آیت‌الله محسنی (ره) به نقل از مرحوم کلینی نقل می‌کند که در اصول کافی آمده است: «عالم ینتفع بعلمه خیر من سبعین الف عابد؛ عالمی که از علمش نفع حاصل شود، از هفتاد عابد برتر است.» بیان این روايت و تأیید آن از نظر ایشان، نشان‌دهنده باورمندی کامل وی به ضرورت آموختن علم است که به صورت مطلق آن را بیان کرده و هیچ‌گونه قرینه مبنی بر دلالت صرف آن به مردان وجود ندارد.

پاسخ به پرسش‌های شرعی جوانان و مؤمنان که در دوران حیات پر بار فقیه نامبرده، یکی از برنامه‌های اصلی ایشان بوده نیز از منابعی است که می‌توان به دیدگاه فقهی وی در این زمینه دست یافت.

در موارد متعدد که سؤال‌هایی در زمینه برابری حق تحصیل زن و مرد مطرح گردیده، ایشان زن و مرد را از حق تحصیل به‌طور یکسان برخوردار دانسته و هیچ تفاوت ذاتی در این مورد میان آنها قائل نیست.

برای مثال، به سؤال دختر خانمی که در این باره مطرح کرده، چنین پاسخ می‌دهد: «دختری هستم که بیست و يك سال دارم و تازه از صنف دوازده فارغ شدم. آرزو دارم که ادامه تحصیل دهم، اما فامیلم اجازه نمی‌دهد. آیا حق زن و مرد در کسب تحصیل علم، در جامعه یکسان نیست؟» جواب: در مورد تحصیل، حق هر دو یکسان است، ولی توجه کنید که تحت تأثیر افراد شیاد قرار نگیرید.» (محسنی، ۱۳۹۴ ش (الف): ص ۴۳۶).

در جای دیگر نیز در پاسخ به سؤال شرعی دختر خانمی چنین گفته است: «دختری هیجده ساله هستم که خیلی دوست دارم در آینده برای خود شخصی باشم، اما پدرم اجازه رفتن به دانشگاه را نمی‌دهد. لطفاً راهنمایی نمایید!» جواب: در یکی از مدارس دینی بروید و درس بخوانید تا شخصیت فراگیر شوید» (همان: ص ۴۳۷).

جواب اخیر ایشان بیان‌کننده این نکته است که برای تحصیل زنان و دختران هیچ محدودیتی وجود ندارد. اگر احوال و اوضاع حاکم بر محیط تحصیلی زن، غیر شرعی باشد، باید آن شرایط را تغییر داد و بانوان می‌توانند در محیطی شرعی که شرایط فراهم باشد، به ادامه تحصیل بپردازند. آیت‌الله محسنی (ره) در یکی از سخنرانی‌های خود، مطلبی درباره تحصیل زنان دارد که می‌توان آن را مبنای اصلی دیدگاه او در این باب دانست.

ایشان تصریح می‌کند: «زنان می‌توانند، هم در علوم تجربی، هم در علوم انسانی و هم در علوم دینی متخصص باشند.» (قطعه‌ای از سخنرانی ایشان) این سخن به‌طور کلی می‌تواند بیان‌کننده نظر فقهی وی در مورد حق آموزش زنان باشد.

فقیه نامبرده در توضیح المسائل طبّی خود که یکی از آثار فقهی گرانسنگ ایشان به شمار می‌رود، در مورد حکم فراگیری علم طب برای زنان و دختران چنین فتوا داده است: «بعید نیست بر دختران و زنان، آموختن علم طب در رشته قابلیت و امراض زنانه واجب کفایی باشد، و در این صورت، حکومت اسلامی می‌تواند زنان و دختران با استعداد را به مقدار نیاز مجبور به یاد گرفتن علم طب نماید» (محسنی، ۱۳۷۵ ش: ص ۱۱).

ایشان در جای دیگر به مبلّغان و قلم‌به‌دستان جامعه اسلامی توصیه می‌کند که نباید به گونه‌ای قلم‌فرسایی نمایند و از اسلام تبلیغ کنند که مسلمانان را از تحصیل علم دلسرد سازند: «در اینجا باید به همه دلسوزان به اسلام و مسلمانان خاطر نشان گردد که در ارشاد مسلمانان چه در سخنرانی و چه در قلم‌فرسایی نباید مسلمانان را از تحصیل علم و آموختن صناعات و ترقی مادی دل‌زده نمایند که در ترک مادی، مغلوبیت اسلام نهفته است» (همان: ص ۳۴).

این سخن، آشکارا دیدگاه وی را در مورد حکم شرعی تحصیل علم نسبت به مسلمانان بیان می‌دارد و چنان‌که می‌بینیم هیچ‌گونه قید و شرط جنسیتی برای آموختن علم ذکر نگردیده است. نامبرده در موردی دیگر، در پاسخ به سؤال‌های شرعی مؤمنان که پرسیده بودند: «علمی که در اسلام برای مرد و زن فرض شده، شامل کدام علوم است؟

آیا به خاطر آموختن علم، ما نیاز به اجازه داریم؟» چنین پاسخ می‌دهد: «علم عقاید، علم فقه حلال و حرام شرعی و آموختن آن، محتاج به اجازه نیست.» بر این اساس، از سؤال مزبور و پاسخ ایشان چنین فهمیده می‌شود که در آموختن مسائل شرعی، حتی اجازه زنان از مردان لازم نیست و فراگرفتن آن واجب دینی خوانده می‌شود (محسنی، ۱۳۹۴: ص ۵۶۷).

آیت‌الله محسنی<sup>(۵)</sup> با اهتمام به فراگیری علم و دانش برای همه افراد جامعه، به فراگیری علم از سوی زنان توجه و تأکید بیشتر دارد و در بیان وظایف شرعی زنان، آنگاه که دیگر وظایف و تکالیف زنانگی زنان را برمی‌شمارد، مسئله آموختن علم را نیز از نظر دور نمی‌گذارد و تحصیل را از وظایف آنان می‌خواند: «به تحصیل علم بپردازند که رشد نسل آینده، به همین موضوع مربوط است» (محسنی، ۱۳۸۷ ش: ص ۷۰). این سخن ایشان نه تنها حق تحصیل زن، که وظیفه تحصیل علم برای زنان را ثابت می‌سازد.



فقیه نامبرده در جای دیگر برای رد شبهه‌ای که ممکن است ذهن برخی‌ها را به این مسیر سوق دهد که گویا اسلام با اصل تحصیل و آموزش زنان مخالف است، چنین بیان می‌کند: «اسلام نه تنها با اصل بیرون رفتن زن از خانه و تحصیل و فعالیت اجتماعی و سیاسی و اقتصادی زن مخالف نیست، بلکه بر مواردی همچون علم‌آموزی نیز سفارش می‌کند» (محسنی، ۱۳۹۴ ش (ب): ص ۳۶۳).

بحث در مورد حق آموزش زنان از منظر آیت‌الله العظمی محسنی (ره) آنگاه که ایشان درباره حقوق دختران سخن می‌گوید، زیبایی و شکوه بیشتری را به خود می‌گیرد.

وی با بیان اینکه زنان و دختران حق تحصیل و آموزش دارند، مردان را به حمایت از دختران و زنان برای بالندگی نسل‌های آینده جامعه تشویق و موظف می‌کند: «مردان باید متوجه باشند اگر زنان، با فضل و اخلاق باشند، نسل جدید خیلی خوب تربیت می‌شوند، ولی اگر زنان، جاهل و بی‌سواد و بی‌خبر از دین باشند، نسل جدید همانند مادران خود بیکاره بار می‌آیند» (محسنی، ۱۳۸۷ ش: ص ۶۹).

ایشان با بیان این مطلب، داشتن آینده روشن و درخشان جامعه را نتیجه باسواد بودن مادران و زنان جامعه می‌داند و برعکس، تاریکی و مشکلات آینده جامعه را معلول جهل و بی‌سوادی آنان می‌خواند. بدون شک، تجربه جوامع توسعه‌یافته نیز مؤید این سخن است. انکشاف و توسعه کشورهای و جوامع، نه تنها ثمره زحمات و تلاش‌های مردان تحصیل کرده، بلکه نتیجه تلاش‌های زنان و مردان باسواد، تحصیل کرده و متخصصی بوده که دوش به دوش یکدیگر برای توسعه و آبادانی جامعه شان کار کرده‌اند.

حتی در جوامع غربی با وجود شعارهای رنگارنگ و پر زرق و برق نسبت به حقوق زنان و با اذعان به تأثیر جدی زنان تحصیل کرده در روند توسعه و انکشاف اجتماعی، در عمل همواره به عفت و شخصیت زنان بی‌توجهی و ستیز داشته‌اند.

حکم شرعی تحصیل زنان در شریعت اسلامی از منظر آیت‌الله العظمی محسنی (ره)، آنگاه که ایشان آموختن و فراگرفتن علم را نوعی عبادت می‌خواند، واضح‌تر و عمیق‌تر می‌گردد. وی در این زمینه می‌نویسد: «به هر حال، در مورد خلقت انسان نیز این سؤال وجود دارد که خدا انسان را برای چه خلق نموده است؟

در جواب، قرآن مجید می‌فرماید: برای عبادت خالق. عبادت خالق، عبارت است از نماز، روزه، خمس، زکات، حج، جهاد، اعتکاف و نیز کارهای مستحبی مانند، خدمات اجتماعی،

کمک به فقرا، کمک به خلق الله، درس خواندن و علم آموختن در زمینه‌های مختلف، به نیت اینکه درس بخواند، علم پیدا کند تا به نیت قرب به الله، برای مردم مسلمان و کشور اسلامی خود خدمت کند.

این گونه علم آموختن، عبادت است. کمک کردن به فقرا، درس خواندن، اختراع، ابتکار و نوآوری، اگر تنها به نیت قرب به الله و خدمت به مردم مسلمان باشد، از عبادات خدا خوانده می‌شود.» (محسنی، ۱۳۹۴ ش پ، ج ۲: ص ۲۷۷).

در این بیان زیبا که علم‌آموزی جزئی از عبادت‌های الهی خوانده شده، به یقین هیچ‌گونه تفاوتی میان زن و مرد در برخورداری از این حق وجود ندارد؛ زیرا خداوند خود فرموده است: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (الذاریات، ۵۶).

چنانکه در عبادت خداوند هیچ تفاوتی میان زن و مرد وجود ندارد، بدون شک، در برخورداری از حق آموزش نیز این تفاوت وجود نخواهد داشت. به‌طور کلی، نظر فقهی ایشان در خصوص حق تحصیل زن و اشتغال آنان و دیگر موارد مشابه چنین است:

به عقیده نگارنده، محصور کردن زن در خانه و بی‌سواد نگهداشتن او در زمان ما، به صلاح نیست. تحمیل کار خانه و مهمانداری و لباسشویی و پخت و پز، بدون رضایت زن جایز نیست. بگذارید دختران ما درس بخوانند، احکام دینی خود را یاد بگیرند.

در يك جوّ تقوا و ادب و با حفظ حجاب، در امور سیاسی و اجتماعی حسب دلخواه خود اقدام کنند و آزاد باشند و حتی بتوانند به بازی‌های مورد علاقه مانند فوتبال، والیبال، تنیس و شنا و غیره در يك محیط خلوت و به‌دور از انظار مردان مشغول گردند و مصلحین عاقبت‌اندیش بدانند که افراط در تقیید زن، موجب تفریط می‌شود و تفریط منجر به افراط می‌شود. «و خیر الامور اوساطها» (محسنی، ۱۳۹۱ ش: ص ۸۹).

## ۲) ضرورت آموزش زنان

این نکته، مسلم است که احکام شرعی اسلام، مبتنی بر حکمت الهی بوده و در کلیه واجبات و محرمات الهی، مصلحت و مفسده نهفته است. اگر برای زنان، حق و فریضه آموختن دانش در نظر گرفته شده، باید دلیل و مصلحتی نیز در آن وجود داشته باشد، همان‌گونه که در این مورد، اگر قائل به منع شرعی باشیم، باید مفسده‌ای نیز برای آن پیدا کنیم. با مرور به منابع شرعی به خصوص آثار فقهی آکادمسین آیت‌الله محسنی<sup>(ره)</sup> ضرورت‌های جدی برای تحصیل دختران و زنان مطرح گردیده که هرکدام می‌تواند دالّ بر وجود مصلحت در فریضه

آموزش زنان و دختران باشد. نخستین ضرورت برای آموزش زنان را می‌توان تربیت سالم نسل آینده جامعه نام برد.

بدون تردید، مادران در تربیت فرزندان خود نقش اساسی و تعیین‌کننده دارند. همچنین، بدون شک خانواده رکن جامعه بوده و والدین دو ستون محکم و سازنده خانواده هستند. حال در این روند، اگر الگویی از جامعه آرمانی را بخواهیم ترسیم نماییم، می‌بینیم که جامعه سالم و بالنده، بر بال خانواده‌های سالم به پرواز می‌نشیند.

بنابراین، برای تحقق این مهم باید به سراغ خانواده‌ها رفت و کانون خانواده را اصلاح و بازسازی نمود. در ایجاد خانواده سالم، کلید سازندگی و اصلاح، در دست والدین قرار دارد و در این میان، مادران که مریبان اصلی فرزندان خود هستند، نقش اول و تعیین‌کننده در تربیت اولاد و از این طریق، تشکیل خانواده سالم و سپس ایجاد جامعه آرمانی و سالم را دارند. مادران که آموزگاران مهم زندگی هر انسان شناخته می‌شوند، به‌یقین مسئولیت سنگین نیز در این راستا به دوش دارند.

آیت‌الله محسنی (ره) ضرورت آموزش زنان را با ذکر این سخن روشن نموده است: «بلی یکی از مهم‌ترین وظایف زن، پرورش و تربیت سالم فرزندان اوست که سرنوشت آینده کشور، به سلامت و تربیت و کمال آنان وابسته است و بسیار مشکل است که جز مادر، کسی بتواند نیازهای بچه‌ها را تأمین نماید» (محسنی، ۱۳۸۱ ش: ص ۵۴).

ایشان در جای دیگری با اشاره به این مسئله بیان می‌دارد: «فراموش نکنید که خانه‌داری و تربیت اولاد، نشانه و علامت عقب‌ماندگی و پسمانی زن نیست، بلکه از مقدس‌ترین و مهم‌ترین فعالیت‌های پرثمر اوست.

همیشه صلاح نسل آینده در گرو تربیت مادران امروزی است» (محسنی، ۱۳۸۷ ش الف، ج ۱: ص ۸۱). این نکته به‌خوبی نگاه ایشان را در مورد ضرورت آموزش زنان برای تربیت سالم نسل آینده و رسیدن به جامعه عاری از فساد و بدبختی روشن می‌سازد.

در موردی دیگر با تأکید بر ضرورت تحصیل زنان به‌منظور تربیت سالم نسل آینده جامعه چنین بیان می‌کند: «زنان باید به تحصیل علم پردازند که رشد نسل آینده به همین موضوع مربوط است» (محسنی، ۱۳۸۷ ش ب: ص ۷۰).

البته نقش زنان را در توسعه علمی و انکشاف اجتماعی نیز نمی‌توان از نظر دور داشت. بنابراین، بر ضرورت آموزش آنان به‌منظور تحقق این مهم نیز باید توجه جدی داشت. حضرت

آیت‌الله العظمی محسنی<sup>(ره)</sup> بر این ضرورت انگشت نهاده و آن را از مهم‌ترین دلایل التزام زنان به تحصیل علم عنوان می‌کند.

وی فراگیری علم طب را برای زنان واجب کفایی دانسته و بیان داشته است: «براساس روایاتی، زنان، در جبهه‌های جنگ در زمان حیات پیامبر اکرم (ص) به تداوی مجروحان می‌پرداختند. بلکه می‌شود گفت که آموختن طب بر زنان واجب کفایی می‌باشد تا زنان مریض در موقع عملیات و امثال آن توسط زنان تداوی شوند» (محسنی، ۱۳۷۱ ش: ص ۱۸۴).

ایشان در پاسخ به سؤال شرعی دختر خانمی که به دلیل مخالفت خانواده‌اش از ادامه تحصیل خود نگران بوده و از ایشان راهنمایی خواسته، چنین ارشاد کرده است: «با حجاب درس بخوانید و در مدرسه دختران، معلمی کنید».

همچنین، ایشان فراگیری علم برای زنان را به منظور توسعه و ترقی جامعه، در صورتی که ضرورت جدی برای آن وجود داشته باشد، فرض دانسته و بیان نموده است:

بعید نیست بر دختران و زنان که آموختن علم طب در رشته قابلیت و امراض زنانه واجب کفایی باشد، و در این صورت، حکومت اسلامی می‌تواند زنان و دختران با استعداد را به مقدار نیاز مجبور به یاد گرفتن علم طب نماید و چون اوضاع زندگانی امروز با گذشته فرق زیادی پیدا نموده، کسی نمی‌تواند برای نفس این وجوب، به سیره تمسک جوید و این تعلیم اجباری در فرض احتیاج در همه رشته‌های علمی و صناعات لازمه، از وظایف حاکم شرعی است (محسنی، ۱۳۷۵: ص ۱۲).

بنابر این دیدگاه معظم‌له، فراگیری علم نه تنها در رشته طب بلکه در همه رشته‌ها و صنعت‌های مورد نیاز جامعه، برای زنان واجب بوده و برای حاکم اسلامی نیز لازم است که زنان را در این مسیر حمایت و حتی به قدر نیاز، اجبار به اقدام برای تحصیل و خدمت نماید. بنابراین، دومین ضرورت برای برخورداری زنان از حق آموزش و حتی تکلیف زنان به آموختن علم، نقش و تأثیر جدی زنان در روند توسعه و انکشاف اجتماعی است.

حفظ فرهنگ و هویت دینی زنان، سومین ضرورتی است که برای تحصیل و آموزش آنان می‌تواند مطرح باشد. برای اینکه زنان بتوانند هویت و فرهنگ اسلامی خود را که سپر محکم در برابر اهداف ضد ارزشی و تبهارانه انسان‌های سودجو و کام‌پرور برای آنهاست، حفظ کنند، لازم است که ظرفیت علمی و سطح آگاهی آنان در عرصه‌های مختلف تقویت شود.

این مهم میسر نیست، مگر با آموزش زنان و دختران، مطابق با فرهنگ و شئون اسلامی. این محور از دیدرس آیت‌الله محسنی (ره) نیز دور نمانده است. نامبرده در این زمینه چنین می‌گوید:

در دین مقدس اسلام، فراگیری علوم و تحصیل آن، برای همه سفارش شده و در این مورد بین زن و مرد استثناء قائل نشده است.

لذا همه مردم و وظیفه دارند که برای تحصیل علوم تلاش نمایند، اما در شرایط کنونی این موضوع برای خانم‌ها بسیار جدی و ضروری است؛ زیرا دشمنان اسلام برای ضربه زدن به پیکر جامعه اسلامی، بیشتر طبقه اناث را آماج تبلیغات زهراگین خود قرار می‌دهند. آنها به نام حقوق زن، آزادی، دموکراسی، تساوی حقوق و غیره، می‌خواهند زن‌های مسلمان را منحرف نموده و به فساد اخلاقی بکشانند.

نمونه آن را همه ما در تبلیغات تجارتي بعضی از رسانه‌های صوتی، تصویری و تحریری مشاهده می‌نماییم. بنابراین، بهترین راه مقابله با این تهاجم ضد انسانی، آگاهی دادن زنان، توسط مبلغین اناث است (محسنی، ۱۳۹۴ ش پ، ج ۱: ص ۱۶).

### ۳) شرایط و حدود آموزش زنان

در مباحث پیشین، احکام آموزش زنان و دختران مطابق فتاوی و دیدگاه‌های فقهی آیت‌الله محسنی (ره) مطرح گردید و ضرورت آموزش زنان نیز به‌طور مختصر بیان شد. اینک به این مسئله می‌پردازیم که مطابق نظریه‌های فقهی معظم‌له کدام شرایط و حدود برای برخورداری از حق تحصیل یا ادای تکلیف شرعی تحصیل از سوی زنان وجود دارد؟

این نکته روشن است که در بینش اسلامی، فقط خداوند متعال به‌طور مطلق، محق است و اگر انسان‌ها از حقوق و آزادی‌هایی برخوردار می‌شوند، استفاده از این حقوق و آزادی‌ها مطلق نیست، بلکه مقید به شرایطی خاصی است که در نبود این شرایط و محدودیت‌ها، استفاده از حق مورد نظر، برای انسان به جای مصلحت، مفسده خلق می‌نماید.

حق آموزش زنان نیز از این قاعده کلی مستثنا نیست و به‌طور قطع، تابع شرایط و محدودیت‌هایی است که از نظر شرعی باید به آنها توجه شود. شرایط و حدود برخورداری زنان از حق آموزش، با توجه به اهمیت این مبحث، نیازمند آن است که از منظر آیات قرآن و سنت به‌طور مبسوط بررسی گردد.

برای بررسی و مطالعه در این زمینه، طرح احادیث و روایات از منابع حدیثی و روایی و نیز دیدگاه‌های فقهای تمامی فرق اسلامی، می‌تواند اهمیت و تأثیر فراوان دارد، اما با توجه به گنجایش اندک این نوشتار، تنها به بررسی چند مورد از احادیث مستند به منابع اهل سنت و منابع اهل تشیع از یک‌سو و بررسی نظریه‌های آیت الله محسنی<sup>(ره)</sup> از سوی دیگر بسنده می‌کنیم.

در منابع حدیثی اهل سنت همچون صحیح بخاری، سنن ابی داوود، تفسیر طبری و... و در منابع اهل تشیع نیز در اصول کافی، بحار الانوار و معجم الاحادیث المعتمره و دیگر منابع که در گفتار اول این نوشتار به آنها اشاره شد، بحث‌های مبسوط و احادیث متعدد از پیامبر گرامی اسلام (ص) در مورد تعیین حدود شرعی آموزش زنان، برای نمونه بحث اختلاط زن و مرد، پوشش و خروج از خانه به منظور آموزش، بیان شده که همه در راستای عزت و شرافت زن و تحکیم بنیادهای خانواده‌ها و اجتماع است.

با استناد به این احادیث، زنان باید در جریان آموزش، به بحث پوشش، اختلاط با مردان بیگانه و خروج از خانه با اجازه شوهر یا ولی، مطابق احکام شریعت اسلامی توجه داشته باشند.

برای مثال، طبری از عایشه نقل می‌کند: « روزی دختر برادرم عبدالله بن طفیل بر من وارد شد و سپس رسول خدا (ص) وارد شد و روی از من برگرداند. برایش گفتم ای رسول خدا این دختر برادرم است و نوجوانی بیش نیست. ایشان فرمود هنگامی که دختر به سن بلوغ می‌رسد، تنها جایز است که صورت و دستانش آشکار باشد. سپس دستش را به محل جدایی ساعد از کف دست دیگری قرار داد» (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۸: ص ۹۳).

در حدیثی دیگر حضرت علی (ع) از پیامبر گرامی اسلام نقل می‌کند که حضرت نگاه شهوت‌آلود به نامحرم را به تیر زهراگین دشمن تشبیه نموده و فرموده است: «نگاه کردن به محاسن زنان، تیری است زهرآلود از تیرهای ابلیس؛ هرکه چشم ننگه دارد، خداوند او را به بندگی آن عبادتی کرامت کند که به ثواب آن شادمان گردد» (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ص ۱۲۴).

در مورد اختلاط زن و مرد نیز مطابق برخی منابع اهل سنت، اختلاط نداشتن زن و مرد نامحرم حتی در ورود و خروج از مسجد، آن قدر برای آن حضرت اهمیت داشت که دروازه‌ای را مخصوص ورود و خروج زنان در مسجد قرار داده بود و مردان حق ورود و خروج از آن در را

نداشتند. حدیث تأکید می‌کند: «عبدالله بن عمر تا زمانی که زنده بود، هیچ‌گاه از در مذکور رفت و آمد ننمود» (ابو داوود، ۲۰۰۹م، ج ۱: ص ۴۲۳).

ام سلمه (س) در توصیف رفتار پیامبر گرامی اسلام (ص) گفته است که آن حضرت (ص) پس از اتمام نماز مکث می‌کرد و به گونه‌ای از مسجد خارج می‌شد که زنان از مسجد خارج شوند و وارد خانه‌های خود می‌شدند و تا هنگامی که رسول خدا بلند نشده و از مسجد خارج نمی‌شد، دیگر مردان نیز از مسجد خارج نمی‌شدند تا بدین ترتیب، جلوی هرگونه تماس بدنی گرفته می‌شد (بخاری، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ص ۲۹۵؛ نسائی، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ص ۶۷).

همچنین، در صحیح مسلم از پیامبر گرامی اسلام (ص) نقل شده که آن حضرت فرموده است: «هیچ زنی با مرد نامحرمی خلوت نکند، مگر محرمی همراه او باشد.» (زیدان، ۱۳۹۴ش: ص ۱۴۰) یا اینکه به‌طور مشخص در مورد آموزش زنان در دوره پیامبر گرامی اسلام، به نقل از ابوسعید خدری در صحیح بخاری آمده است: «زنان به پیامبر اسلام (ص) گفتند مردان در استفاده از محضر شما بر ما پیشی جسته‌اند؛ پس خود روزی را بر ما اختصاص بده. آن حضرت نیز چنین کرد و روزی را در هفته برای ملاقات با آنان تعیین کرد که در آن روز به تعلیم زنان می‌پرداخت.» (بخاری، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ص ۱۳۴)

آیت‌الله العظمی محسنی (ره) نیز توجه به شرایط و حدود شرعی برای آموزش زنان را از نظر شرع لازم دانسته و در این مورد اجازه ولّی و شوهر، چگونگی محیط تحصیل، خطرهای احتمالی برای نجابت و شخصیت آنان در جریان تحصیل را مطرح کرده است.

معظم‌له در پاسخ به استفتاء یکی از مؤمنان که پرسیده بود در تحصیل کدام علم، اجازه زن از سوی ولّی یا شوهر وی لازم است، چنین پاسخ می‌دهد: «علم عقاید، علم فقه حلال و حرام شرعی و آموختن آن، محتاج به اجازه نیست.» این بدین معناست که در فراگیری علم فقه و شناختن حلال و حرام شرعی، اجازه والدین و شوهر که در دیگر امور اجازه آنها ممکن است لازم باشد، شرط نیست؛ اما در فراگیری دیگر علوم اگر تحصیل علم، نیازمند بیرون رفتن از خانه باشد، باید زن شوهردار از شوهر خود اجازه بگیرد.

از سوی دیگر، زنان در صورتی از حق آموزش و تحصیل می‌توانند استفاده کنند که محیط تحصیل، به نجابت فردی، عفت اجتماعی و شخصیت زنانگی آنان آسیب نرساند. اگر این شرط برای زن یا دختری فراهم نباشد، باید از محیط و فضایی استفاده علمی ببرد که

محدودیت‌ها و خطرهای ذکرشده را نداشته باشد و این نه تنها به ضرر زن نیست، که به خیر و صلاح اوست. (محسنی، ۱۳۹۴ ش الف: ص ۴۳۶)

به طور خلاصه، شرایط و محدودیت‌های آموزش زنان را مطابق نظر محدثین و فقهای فریقین می‌توان در نکات ذیل مطرح نمود:

۱. جدایی میان پسران و دختران در جریان آموزش: در این مورد، نویسندگان اهل سنت در حوزه حقوق زن گفته‌اند که اگر محل درس منظم باشد و به گونه‌ای سازماندهی شود که پسران در جایگاه‌های پیش بنشینند و از در مخصوص خود به محل درس وارد شوند و فاصله مناسب میان محل استقرار دختران و پسران رعایت شده باشد و دختران نیز از در مخصوص خود به محل درس وارد و خارج شوند، و همچنین اگر آموزگار زن موجود نباشد و مدرس درسی جداگانه نیز امکان نداشته باشد، با این نظم و سازماندهی، می‌توان آموزش پسران و دختران را با هم جایز دانست. (زیدان، ۱۳۹۴ ش: ص ۱۳۹)

۲. زنان و دختران در جریان آموزش باید در پوشش خود از لباس‌هایی استفاده کنند که برای مردان مهیج نباشد و اعضای بدن زن در آن پیدا نباشد.

۳. ترجیح دارد که زنان باید به زنان و دختران دیگر آموزش دهند، اما اگر زن برای آموزش وجود نداشته باشد، استفاده از آموزگار مرد که امین و پرهیزگار باشد، بدون اشکال است؛ زیرا وجود مرد در حضور زنان، از نظر شریعت اسلامی مطابق منابع حدیثی اهل سنت، جزو خلوت حرام خوانده نمی‌شود.

۴. خروج از خانه با اجازه شوهر (اگر ازدواج کرده باشد) یا با اجازه ولی (چنانچه ازدواج نکرده باشد)، برای فراگیری علم لازم است، اما این شرط در مورد فراگیری دروس شرعی و فهمیدن حلال و حرام الهی منتفی می‌گردد.

۵. تحصیل در محیطی که نجابت و شرافت زن را به مخاطره نیندازد. اگر چنین بود، زن برای فراگیری علم به محیط سالم که از نظر شرع مانعی در آن نباشد، مراجعه کند.



### نتیجه‌گیری

با مرور مطالب این نوشتار، در پرتو نظریه‌ها و تحقیق‌های علمی و فقهی آیت‌الله محسنی (ره) و دیگر فقهای جهان اسلام، حق تحصیل و آموزش زن نه تنها ممتنع نیست، در بسیاری موارد واجب کفایی است. این رویکرد شریعت اسلامی در مورد آموزش زنان، با توجه به ضرورت‌های نهفته در این مسئله است. ضرورت‌هایی چون نقش زنان در تربیت سالم نسل بشر، توسعه و انکشاف اجتماعی، حفظ هویت و فرهنگ دینی و مدیریت و رهبری جامعه اسلامی اقتضا می‌کند که آنها از حق بر آموزش، برخوردار باشند، اما اسلام ضمن تأکید بر آموزش زنان، به این نکته توجه داده که شرط برخورداری از این حق چنان است که تحصیل و آموزش زنان نباید به آسیب دیدن شخصیت، نجابت، تقوا و تدین زنان منجر شود. محیط و فضای حاکم بر آموزش زنان، باید به گونه‌ای باشد که آنان از مجرای آموزش و تعلیم بتوانند فطرت الهی و استعدادهای خدادادی خود را در مسیر تکامل و خدمت‌گزاری متعهدانه به امت اسلامی استفاده کنند. آیت‌الله العظمی محسنی (ره) به‌عنوان یکی از فقها و محققان بنام جهان اسلام، با درک این ضرورت، مدرسه دینی خدیجه‌الکبری و دانشگاه خاتم‌النبین (ص) را تأسیس کرده که هرکدام در جای خود، برای رشد و بالندگی علمی زنان و دختران افغانستان تاکنون مؤثر و مفید بوده است.

## منابع

## \* قرآن کریم

۱. ابو داوود سجستانی، سلیمان بن اشعث (۲۰۰۹م)، سنن، تحقیق: شعیب ارنوط، دمشق: منشورات دارالرساله.
۲. اعلامیه جهانی حقوق بشر، مصوب ۱۹۴۸م، مجمع عمومی ملل متحد.
۳. الغامدی، عبداللطیف (۱۳۹۴ش)، حقوق بشر در اسلام، چاپ دیجیتال.
۴. الیاسی، محمدقاسم (۱۳۹۴ش)، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، کابل، انتشارات دانشگاه خاتم النبیین (ص).
۵. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۷ق)، صحیح البخاری، تحقیق: مصطفی دیب البغاء، بیروت، دار ابن کثیر.
۶. رازی، ابوالفتوح (۱۴۰۸ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۷. زیدان، عبدالکریم (۱۳۹۴ش)، حقوق و تکالیف زن در اسلام، ترجمه: سهیلا رحمتی، چاپ دیجیتال.
۸. طبری، ابو جعفر محمدبن جریر (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: انتشارات دارالمعرفه.
۹. عباسی، بیژن (۱۳۹۰ش)، حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، تهران: انتشارات مؤسسه انتشارات دادگستر.
۱۰. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ق) تذکره الفقهاء، جلد ۹، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۵ش)، اصول الکافی، تهران، اسوه.
۱۲. محسنی، محمدآصف (۱۳۹۶ش (الف))، افق اعلی، قم، ادیان.
۱۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۶ش (ب))، برگی دیگر از فعالیت‌های احزاب جهادی در اثنای جهاد و بعد از آن، کابل، مرکز حفظ و نشر آثار آیت الله العظمی محسنی.

۱۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴ ش (الف)) پاسخ به سؤالات فقهی، اخلاقی و متفرقه، کابل، انتشارات چهاردهی.
۱۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۱ ش)، تصویری از حکومت اسلامی در افغانستان، قم، انتشارات حرکت اسلامی.
۱۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۵ ش)، توضیح المسائل طیبی، قم، انتشارات فرهنگی حرکت اسلامی.
۱۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۱ ش)، جوانان و دوره جوانی، کابل، حرکت اسلامی افغانستان.
۱۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴ ش (ب))، رنگارنگ یا کشکول درویشی، کابل، حوزه علمیه خاتم النبیین.
۱۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۶۵ ش)، روش جدید اخلاق اسلامی، بی‌جا، نشر قبادی [چاپ افست، کابل، حوزه علمیه خاتم النبیین (ص)].
۲۰. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱ ش)، زن در شریعت اسلامی، کابل، انتشارات حوزه علمیه خاتم النبیین (ص).
۲۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵ ش)، گوناگون (قصه های کوتاه و آموزنده)، جلد ۱، کابل، انتشارات حوزه علمیه خاتم النبیین (ص).
۲۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴ ش (پ))، انوار هدایت، کابل، مؤسسه تنظیم و نشر آثار آیت‌الله محسنی (ره).
۲۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷ ش (الف))، مباحث علمی و دینی، کابل، انتشارات حوزه علمیه خاتم النبیین (ص).
۲۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲ ش)، معجم الاحادیث المعتمره، قم، ادیان.
۲۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷ ش (ب))، نقش اسلام در عصر حاضر، کابل، بی‌نا.
۲۶. مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۶ ش)، بحار الانوار، چاپ چهارم، محل نشر، تهران، انتشارات اسلامیه.

۲۷. کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ۱۹۶۶ م مجمع عمومی سازمان ملل متحد.

۲۸. نسایی، احمد بن علی (۱۴۰۶ق)، السنن الصغری، تحقیق: عبدالفتاح ابوالغده، حلب: المطبوعات الاسلامیه.